

بسم الله الرحمن الرحيم
اولین همایش ملی تأثیر نهج البلاغه در زندگی با تأکید بر مؤلفه های
فرهنگی و اجتماعی
دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران
18 اسفند 1400 ش.

راهکارهای تربیتی فقرزدایی در نهج البلاغه

الهام عزیزی¹

محمد مهدی کریمی نیا²

مجتبی انصاری مقدم³

چکیده

از قدیم الایام یکی از مهمترین دغدغههای بشر، تأمین رفاه افراد جامعه و از بین بردن فقر بوده است؛ اما به علتهایی مانند ستمگریها و بیعدالیهای حاکمان ثروت اندوز هرگز محقق نمیشد. با ظهور اسلام این دغدغه جدیتر شد. آیات و روایات بسیاری مؤید این ادعاست. پژوهش حاضر که با روش کتابخانهای و رویکرد توصیفی تحلیلی انجام شده، درصدد پاسخ به این پرسش است که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، برای مقابله با فقر چه راهکارهای تربیتی برای رهایی از فقر ارائه کردهاند؟ مطالعات انجام شده نشان میدهد که بیانات و اقدامات حضرت علیه السلام در این زمینه، غالباً ناظر بر روشی تربیتی و پویای عمومی است که درصدد تربیت احاد جامعه و نهادینه کردن فرهنگ نوع دوستی مسئولیتپذیری اجتماعی برای مقابله با فقر است که با تلاش قشر ضعیف، مسئولیت پذیری و همیاری ثروتمندان و عدالت حاکمان، در

¹. طلبه سطح دو (کارشناسی) رشته فقه و اصول، حوزه علمیه الزهرا (س) شهرستان
صحنه، استان کرمانشاه، el340015@yahoo.com

². طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم و استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و
معارف قرآن کریم، kariminiya2003@yahoo.com

³. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه، com.
mojtabaansari767@gmail

قالب معیارهای اخلاقی، انسان مداری و آخرتگرایی امکان پذیر خواهد بود. اگرچه گروههای مورد خطاب حضرت علیه السلام تمام نوع بشر است؛ اما ایشان به طور اخص «فقرا»، «ثروتمندان» و «مدیران حکومتی» را مخاطب قرار داده و برای هرکدام وظایف خاصی را مشخص کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیه السلام، راه کار تربیتی، فقر، فقرزدایی

مقدمه

یکی از دغدغههای اصلی جوامع و حکومت‌های مختلف بهبود وضعیت معیشت مردم و ریشه کن کردن فقر در جامعه است. مسئله فقر و نابرابری اقتصادی، پیشینه‌های به درازای عمر بشر دارد که موجب ناهنجاریهای متعددی در زندگی فردی و اجتماعی میشود و زمینه انحرافات و مشکلاتی است به جرائم بزرگ ختم میشود. در متون دینی نیز، بیانات بسیاری در زمینه خطرات و تبعات فقر مطرح شده است؛ از جمله پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» عاملی اصلی کفر و نابودی ایمان معرفی میکند.¹

نهج البلاغه یکی از منابعی است که به طور خاص، به مقابله با فقر پرداخته است؛ زیرا هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام به حکومت رسیده بود بر اثر دور شدن از تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین دلایلی مانند گرایش به دنیا، مال اندوزی، پرداخت نکردن حقوق الهی کفران نعمت، نداشتن تقوا و اوضاع جامعه دگرگون شده بود و فاصله‌های طبقاتی زیادی ایجاد شده بود بر همین اساس، یکی از دغدغههای اساسی حضرت امیر علیه السلام در دوران کوتاه حکومتش، رفع فقر و نابرابری در جامعه بود که با استفاده از راهکارهای مختلفی، دست کم در کوفه توانست امکانات اساسی را برای عموم مردم تهیه کند.

¹ - کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 307.

در زمینه فقر و مباحث مرتبط با آن در نهج البلاغه پژوهشهای مختلفی انجام شده است؛ اما آنچه با این پژوهش ارتباط بیشتری دارد عبارتند از: مقاله «سیره اقتصادی امام علیه علیه السلام» اثر احمد یوسفی (1389) که در مجله‌ی مطالعات تفسیری چاپ شده است. پایان نامه کارشناسی ارشد «عوامل پیدایش فقر، پیامدها و راه‌های مقابله با آن در نهج البلاغه» اثر لایلا حسینی‌نیا (1390)، پایان نامه کارشناسی ارشد «روش‌شناسی محرومیت‌زدایی در سیره اقتصادی امام علی علیه السلام» اثر سمانه محمدی (1392)، مقاله «علل و آثار فقر از دیدگاه امام علی علیه السلام» اثر سید علیاء محمدی که در مجله کیهان فرهنگی سال 1392 منتشر شده است. مقاله‌ی «آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه» نوشته‌ی محمد مولایی (1392) که در مجله‌ی پژوهشنامه‌ی نهج البلاغه چاپ شده است. البته مقاله حاضر، بیشتر به بعد تربیتی راه‌های فقرزدایی نظر دارد در واقع سیستم تربیتی اقتصادی حاکم بر نهج البلاغه را بررسی می‌کند و در موضوع، روش و اهداف با آثار یاد شده متفاوت است.

حال با توجه به مشکلات معیشتی حاد، فقر و بیعدالتی شدیدی که امروزه دامنگیر جوامع شده است، برای ساماندهی و بهبود وضعیت اقتصادی کشورها میتوان از راهکارهای تربیتی نهج البلاغه یاری جست. البته لازمه این کار، نهادینه کردن سیستم اقتصادی امیرالمؤمنین علیه السلام در نظام تربیتی و فرهنگی جوامع است که حضرت علیه السلام در نهج البلاغه با رویکردی تربیتی و تبلیغی به فقرزایی می‌پردازد و با توصیه‌های اخلاقی و تربیتی، زمامداران را به ساده زیستی و همسویی با فقرا فرامیخواند تا موجب آرامش طبقه فقیر جامعه شود و فقرا را دعوت به توکل و تلاش میکند و از طرفی صدقه دادن را موجب افزایش روزی میداند.

بنابراین از آنجا که بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام محدود به زمان خاصی نیست و برای تربیت تمام جوامع در همه‌ی زمانها بیان شده،

ضرورت دارد این موضوع با دقت بیشتری بررسی شود تا سیستم تربیت اقتصادی نهج البلاغه در مقابله با فقر کشف شود و به عنوان یک الگوی صحیح و برتر اقتصادی استفاده گردد.

این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه برای مقابله با فقر چه گروههایی را مورد خطاب قرار داده و متناسب با هر گروهی چه راهکارهایی برای رهایی از فقر ارائه کردهاند؟

1. مفهوم شناسی

هنگام بحث در مورد فقرزدایی ابتدا لازم است، واژه مورد بحث و واژگان مرتبط شناسایی شوند؛ و به شرح معانی هریک پرداخته شوند با این کار به مخاطب فرصت داده میشود با وسعت نظر به مطالب بنگرد. در نهج البلاغه از انواع مختلف و معانی گوناگون فقر سخن به میان رفته است. که میتوان به فقر اقتصادی، فقر مالی، فقر روحی، فقر علم و آگاهی، فقر فرهنگی اشاره‌ای داشت فقر در این پژوهش به معنای نداری در مقابل ثروت به کار میرود.¹

فقر در لغت به معنی تهی دستی، تنگ دستی، درویشی.² فقر یکی از شومترین مصائبی است که علاوه بر مختل کردن زندگی فردی فقرا، اجتماع بشری را با معضلات جدی مواجه ساخته است؛ زیرا آثار آن منحصر به زندگی گروه خاصی نیست، بلکه عواقب آن با مسائلی همچون هنجارشکنی، سرقت، قتل و غارت، وقوع جرم و ناامنی و ... در جامعه پدیدار میشود.³

با توجه به اهمیت خاص این موضوع، ایجاب میکند که با تمسک به نهج البلاغه، روشهای فقرزدایی از جامعه کشف و بیان شود.

2. بیانات نهج البلاغه خطاب به فقرا

¹ - حکیمی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج 4، ص 278-288.

² - معین، فرهنگ معین، ص 1805 و دشتی، فرهنگ صبا، ص 171.

³ - اسفندیاری، فقر و انحرافات اجتماعی؛ مجله مطالعات راهبردی زنان، ش 21، ص 82.

در نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فقرا را مستقیماً خطاب قرار نداده است؛ بلکه به هر علتی (شاید حفظ حرمت فقرا) در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمتها با بیاناتی غیرمستقیم که بیشتر ناظر بر تربیت فقرا در شرایط سخت است، درصدد سامان بخشیدن به زندگی آنان و مبارزه با فقر بوده‌اند. راهکارهای فقرزدایی حضرت علیه السلام خطاب به فقرا شامل مباحث زیر میشود:

2-1. توکل به خداوند و اعتقاد به رزاقیت او

در آیات متعدد¹ بر توکل به خداوند تصریح شده است، امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز توکل بر خداوند را یک راهکار معرفی کرده و ضمن اشاره به اینکه خداوند بخشنده انواع نعمتها و تقسیم کننده روزی پدیده‌ها است، میفرماید: «... مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ ... هرکس به خدا توکل نماید، خدا او را کفایت می‌کند»². کافی (کفایت کننده)، یکی از صفات خداوند است و به اعتبار آنکه به هرکدام از مخلوقاتش آنچه از منفعت و دفع ضرر عطا میکند که استحقاق آن را داشته باشند، او را کفایت کننده میگویند.³

در مورد قوت خداوند در روزبرسانی آمده است که: «وَقِيلَ لَهُ عَلَيْهِ

السلام: «لَوْ سُئِلَ عَلَى رَجُلٍ بَابُ بَيْتِهِ وَ تُرِكَ فِيهِ مِنْ أَيْنَ كَانَ يَأْتِيهِ رِزْقُهُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ حَيْثُ يَأْتِيهِ أَجَلُهُ. از امام پرسیدند اگر در خانه مردی را به رویش بستند، روزی او از کجا خواهد آمد؟ فرمود: از همان جایی که مرگ او مآید.»⁴

شهید مطهری درباره توکل میفرماید: توکل به معنی آن نیست که در گوشه‌های بنشیند و بگوید خدایا تو بیا درستش کن! این که توکل نیست تنبلی است. انسان مسئولیتش را برعهده میگیرد و وظیفه خود را انجام

¹ - مائده/ 23 و آل عمران/ 122 و الأحزاب/ 3 و عنکبوت/ 59.

² - نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۰ و خطبه‌ی ۸۳.

³ - بحرانی، شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۵۰۰.

⁴ - نهج البلاغه، خطبه 356.

میدهد و سرنوشت را به خداوند واگذار میکند در چنین شرایطی اگر انسان خودش را برای خدا خالص و مخلص کند عنایت خدا را در زندگی لمس میکند.¹

پس میتوان گفت در نظام تربیتی نهج البلاغه، توکل بر خداوند و اعتقاد داشتن به روز رسانی او، نقش تربیتی مهمی در زندگی انسان، به ویژه فقرا دارد و راهکاری است که سبب میشود انسان در شرایط نامناسب مالی، ارزش و کرامت خود را حفظ کند و با تکیه و اعتماد به خداوند از غیر او بینياز گردد.

2-2. تاکید بر کار و تلاش

در نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فقرا را مستقیماً خطاب قرار نداده است؛ بلکه به هر علتی (شاید حفظ حرمت فقرا) در خطبه^۲ها «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»² به صراحت بیان داشته است که برای انسان چیزی نیست، جز آنچه با سعی به دست آورده³ از آنجا که هدف کلی تربیت اسلامی، ساخت انسان سالم، کامل و کارآمد است. به این منظور کار، تلاش برای تأمین معاش از عوامل مهم در حفظ سلامت جسمانی و روانی انسان و ضامن پیشگیری از بیماریهای جسمی، روحی و اخلاقی خواهد بود و از طرفی، راهکاری تربیتی محسوب میشود که بسیاری از صفات نیک را در انسان پرورش میدهد. از این رو، امیرالمؤمنین علیه السلام کار، تولید و تأمین هزینههای زندگی را یکی از اصلیتترین برنامههای روزانهی زندگی میداند و میفرماید: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ؛، وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ»⁴ مؤمن باید شبانهروز خود را به سه قسمت تقسیم کند ... که یکی از این سه، کسب حلال برای تأمین معاش است.» زیرا چیزی ارزشمندتر از عمر نیست و انسان باید آن را طوری تنظیم کند که بتواند از راه مشروع، مایحتاج خود را

¹ - مطهری، خدا در زندگی انسان، ص 94.

² - نجم/ ۳۹.

³ - طبرسی، جوامع الجامع، ج ۴، ص ۲۰۲.

⁴ - نهج البلاغه، حکمت 390.

فراهم آورد به امکانات مادی برسد و شخصیت خویش را نیز در برابر دیگران حفظ کند.

در کتاب نهج البلاغه علاوه بر آنکه ضمانت روزی را متذکر میشود، ولی با این حال لزوم توجه به کار و تلاش را به همگان یادآور میشود: «قَدْ تَكْفَلَ تَكْم بِالرِّزْقِ وَأُمِرْتُ بِالْعَمَلِ؛ خداوند روزی شما را ضمانت کرده و شما را به کار و تلاش امر فرموده.»¹

2-3. قناعت

قناعت به معنای سیر بودن چشم و دل از مظاهر دنیا و پرهیز از فروزه-خواهی است، از والاترین کمالات انسانی است که تضمین کننده آرامش و سازگاری در زندگی اجتماعی است و نبود آن، آرامش را از زندگی میرباید.² قناعت کردن یکی از بهترین راهکارهای تربیتی مقابله با فقر است. داشتن این روحیه، به منزله‌ی ثروت پایانپذیری است که انسان را از تمام ثروت‌های دنیا بینیاز میسازد و موجب میشود انسان همواره با عزت زندگی کند و نیازمند دیگران نباشد.³

اهمیت قناعت در زندگی به حدی است که امام سجاد علیه السلام در پاسخ به فردی که از ایشان جویای برترین اعمال شده بود، فرمودند: برترین عمل این است که انسان به آنچه در دست او است، قانع باشد.⁴ در حدیث قدسی آمده است که خداوند متعال خطاب به حضرت داوود علیه السلام میفرماید: «وَصَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهَا فِي كَثَرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهَا؛ من بینیازی را در قناعت نهاده‌ام، اما مردم آن را در فراوانی مال میجویند از این رو نمیابندش.»⁵

امیرالمؤمنین علیه السلام تأکید ویژه‌ای بر قناعت‌ورزی برای جلوگیری از فقر دارد و در بیان ارزش قناعت میفرماید: «القناعة الكنز لا ينفد»⁶:

¹ - همان، خطبه 114.

² - حسین زاده، نقش قناعت در بهرهمندی از زندگی، ص ۱۱۵.

³ - مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۲، ص ۳۵۷.

⁴ - نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۳۲.

⁵ - مجلسی، بحارالانوار، ج 75، ص 453.

⁶ - نهج البلاغه، حکمت ۵۷ و ۳۴۹ و 475.

قناعت مالی است که پایان نمیپذیرد» ایشان میانه‌روی را مانع تهیدستی میدانند¹؛ زیرا هنگامی که برای فرد یا جامعه، مشکل مالی پیدا می‌شود که برنامه و حساب دقیقی برای هزینه‌ها و نیازهای خود در نظر نگیرد.² پس اگر فرهنگ قناعت در جامعه رواج پیدا کند، حرص و طمع کاهش پیدا کرده و مشکلات اقتصادی به حداقل می‌رسند.³ و این یکی از بهترین جلوه‌های تربیت اقتصادی است.

2-4. انفاق و صدقه

همان گونه که با کوتاه کردن شاخه‌های درختان رشد بیشتری کرده و ثمره‌ی بیشتری می‌دهند، درخت رزق و روزی انسان نیز، با انفاق و صدقه مستحب یا با پرداخت زکات مال، پربارتر می‌گردد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «إِسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ»⁴ با صدقه دادن، روزی را فرود آورید. افزایش روزی در سایه صدقه و انفاق به مستمندان، یکی از آثار دنیوی احسان است. چنین نیست که میزان رزق آدمی تنها به تلاش اقتصادی او وابسته باشد دادن مال به مستمند، گرچه در ظاهر موجب کاهش مال است، ولی خداوند همین را سبب وسعت رزق و برکت مال قرار می‌دهد در سوره‌ی طلاق آمده است: «وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ تَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»⁵ و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند. خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند. خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می‌کند.»

امیرالمؤمنین علیه السلام با اشاره به همین معادله و نقش انفاق مالی در افزایش روزی و جلوگیری از خسران می‌فرماید: «وَحَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ»⁶ و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید.» در جای دیگر

¹ - همان، حکمت ۱۴۰.

² - مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۳، ص ۱۴۹.

³ - حسین زاده، نقش قناعت در بهرهمندی از زندگی، ص ۱۱۸.

⁴ - دشتی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۱۳۷، ص ۴۶۹.

⁵ - طلاق / ۷.

⁶ - نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶.

میفرماید: «مَنْ يُعْطِ بِالْيَدِ الْقَصِيرَةِ، يُعْطِ بِالْيَدِ الطَّوِيلَةِ¹ آن کس که با دست کوتاه ببخشد، از دستی بلند پاداش گیرد.»

سید رضی در شرح این جمله نهج البلاغه میگوید: یعنی کسی که اندکی از مال خود را در راه خیر انفاق کند، خداوند پاداش بزرگ به او اعطا میکند. مقصود از دست در اینجا یعنی نعمت، نعمت خدا همیشه بیش از نعمت و عطا و احسان بندگان است، چون اصل همه نعمتها از اوست و به او برمیگردد.²

3. خطاب به ثروتمندان

امیرالمؤمنین علیه السلام ثروتمندان را یکی از علل ایجاد فقر میداند و در این زمینه میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ عَيْنِي³ همانا خدای سبحان روزی فقراء را در اموال سرمایه داران قرار داده است، پس فقری گرسنه نمی ماند جز به کامیابی توانگران.»

برخی از محورهای اساسی خطابه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به اغنیاء به شرح زیر است:

3-1. اهتمام به امور مسلمین

در روایات متعددی از مسلمانان خواسته شده است که نسبت به گرفتاری دیگر مسلمانان بی-تفاوت نباشند و همت خویش را مصروف حل مشکلات آنان کنند. در برخی از این دسته روایات، این اهتمام و اعتنا به دردها و مشکلات اجتماع، نشانه مسلمانی، و بیاعتنایی دلیل نامسلمانی تلقی شده است. امام صادق علیه السلام از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل میکند: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»⁴ هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد، از آنان نیست و هر کس

¹ - همان، حکمت 232.

² - محدثی، درس هایی از نهج البلاغه، ص 36.

³ - نهج البلاغه، حکمت 328

فریاد مردی را بشنود که مسلمان را به دادخواهی میخواند و اجابت نکند، مسلمان نیست.»

کلمه «امور مسلمین» که در این گونه روایات به کار رفته است، اطلاق دارد و شامل هرگونه مشکل و گرفتاری میشود؛ بنابراین وجود ظلم، بی عدالتی اجتماعی، مشکلات اخلاقی و فرهنگی جامعه، فقر و بیکاری، فساد مدیران و مانند آن همگی داخل در امور مسلمین است.¹ حال به توجه به پیچیده بودن جوامع کنونی به تنهایی حل مشکلات کار دشواری است اما میتوان با تشکیل انجمن، هیئت و گروه های خاص عهدهدار حل برخی از گرفتاریها و معضلات جامعه شد که این کار محتاج تدابیر لوین و همیاری جمعی و گروهی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه 216 ضمن ترسیم دوره های که مشکلات و سختی و ظلم بر جامعه حاکم میشود احاد جامعه را به خیرخواهی و یاری رساندن نسبت به هم دعوت میکند و میفرماید: «.... فَهَئَالِكَ تَذِلُّ الْأَبْرَارُ وَ تَعِزُّ الْأَشْرَارُ وَ تَعْظُمُ تَبِعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ پس، در آن دوره، خیرخواه هم باشید و به یاری یکدیگر در این راه بشتابید.»

3-2. شکر نعمت

به طور کلی شکرگزاری تکلیف هر انسانی است؛ اما با توجه به اینکه خداوند به توانگران چنان نعمت داده است که از دیگران نیاز هستند، لزوم شکرگزاری از سوی آنان روشنتر میشود. علاوه بر آن از آنجا که فزونی ثروت بدون یاد خداوند باعث انحراف میشود لازم است که شکرگزار باشند تا دچار غفلت نگردند و به نعمت آنان نیز افزوده شود خداوند متعال نیز در آیه «.... لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»² شکرگزاری را موجب ازدیاد نعمت معرفی کرده است.

⁴ - کلینی، اصول کافی، کتاب الالمان و الکفر، باب اهتمام به امور مسلمین، ح 5 و 1، ج 2، ص 163.

¹ - واعظی، جامعه مدنی، جامعه دینی، ص 134.

² - ابراهیم/ 7.

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام آموزنده‌های میفرماید: «إِنَّ لِلَّهِ [تَعَالَى] فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا؛ فَمَنْ أَدَّاهُ زَادَهُ مِنْهَا، وَ مَنْ قَصَّرَ فِيهِ خَاطَرَ بَرَّوَالِ نِعْمَتِهِ¹ خدا را در هر نعمتی حقی است، هر کس آن را بپردازد، فزونی یابد، و آن کس که نپردازد و کوتاهی کند، در خطر نابودی قرار گیرد.»

یک مسلمان با ثروتی که در اختیار دارد، باید افزون بر برآوردن نیازهای خود، برای پرستاری از درماندگان و کمک به نیازمندان نیز آن را به کار گیرد. او هرگاه این وظیفه را اجرا کرد، حق نعمت خدا را به جا آورده است و شکر نعمت کرده است.² بنابراین شکرگزاری در هنگام رفاه و دارایی، موجب رضایت الهی و ازدیاد نعمت میشود و یکی از مصادیق شکر نعمت، مصروف داشتن آن در راه خداوند متعال، از راه کمک به مستمندان و رفع نیاز فقرا است.

3-3. میانهروی در مصرف

پرهیز از اسراف و میانهروی در مصرف از رفتارهای پسندیده‌ی اقتصادی است که امیرالمؤمنین علیه السلام از فتار پرهیزگاران میدانند.³ از آثار میانهروی جلوگیری از تهی دستی است. همچنان که حضرت می‌فرماید: «ما مَالٌ مِّنْ اقْتَصَدَ انْ که میانهروی کند تهی دست نمیشود.»⁴ در مقابل، اسراف در مال به معنای ندانستن ارزش مالی است که باعث نگهداری نفس از ذلت و خواری طلب میشود⁵ این عمل از نظر عقل و شرع مذموم بوده و خداوند متعال در آیه‌ی: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»⁶ با صراحت به این نکته اشاره کرده است.

اسراف آثار منفی اقتصادی بسیاری برای افراد و جوامع به دنبال دارد یکی از تبعات آن، رشد فقر در جامعه است در مکتب تربیتی حضرت

¹ - نهج البلاغه، حکمت 244.

² - اسحاقی، علی علیه السلام اسوه مهر، ص 74.

³ - نهج البلاغه، خطبه 193.

⁴ - همان، حکمت 140.

⁵ - بیگم آرمی، نفس در اسارت شیطان، ص 27.

⁶ - انعام/ 141.

امیرالمؤمنین علیه السلام شایسته نیست مصلحان در مصرف اموال و دارایی که در دست دارد آزاد باشد و آن را به هر نحوی برای تأمین لذت‌های شخصی به کار گیرد بلکه باید با در نظر گرفتن دو اصل؛ توجه به هم‌نوع و آخرت گرایی، به میانه‌روی در مصرف بپردازد. حضرت در این خصوص می‌فرماید: «قَدْ عَیَّ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِدًا وَ اذْکُرْ فِی الْیَوْمِ عَدَاً وَ اَمْسِکْ مِنْ اَلْمَالِ یَقْدِرْ صَرُورَتِکَ وَ قَدِّمِ الْفَضْلَ لَیْوَمِ حَاجَتِکَ»¹ از اسراف پرهیز، و میانه روی را برگزین، از امروز به فکر فردا باش، و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار، و زیادی را برای روز نیازمندی در آخرت پیش فرست»

4. خطاب به کارگزاران حکومتی

فقرزدایی و ایجاد رفاه و امنیت اقتصادی از مهمترین وظایف حاکمان جامعه‌ی اسلامی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه به شیوه‌های مختلفی، مسئولان حکومتی را به توجه به این امر سفارش کرده است؛ از جمله:

4-1. دستور به رعایت ساده زیستی

در نظام مردم سالاری دینی شکوفایی و پویایی ارزشهای فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی در سایه ساده زیستی رهبران جامعه و عدم دلبستگی آنها به دنیا حاصل میشود. رهبران جامعه باید بیشتر از دیگران مواظب خطرات دنیاگرایی باشند و زندگی آنان باید در سطح زندگی ضعفا و یا متوسط جامعه اسلامی باشند.²

امام خمینی (رحمه الله) در بیان اوصاف و ویژگیهای حاکم اسلامی ضمن اشاره به وضع زندگی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: حاکمی که از طرف خدای تبارک و تعالی تعیین شد از برای امت شخصی بود که وقتی به حکومت رسید، در حال حکومتش زندگیاش از جمعی زندگی امثال ماها و شماها طلاب علوم دینیه یا امثال این بقالها

¹ - نهج البلاغه، نامه 21.

² - پازوکی، مردم سالاری دینی در نهج البلاغه، ص 261.

و کاسبها زندگی او پستتر بود.³ زندگی امام خمینی (رحمه الله) که یک انقلاب اسلامی را رهبری نمود - واقعاً در سطح توده‌ی مردم بود و هنگامی که از دنیا رفت، چیزی برای خود نیندوخته بود خانه‌ی محقر اجارهای او در جماران گواه این امر است. سادگی این خانه توجه هر بیننده‌ای را برمی‌انگیزد. امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ [الْحَقِ] الْعَدْلَ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ»² خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد، و به طغیان نکشاند.»

از کلام حضرت چند نکته برداشت می شود:

الف) اگر زندگی مسئولان با مردم در یک سطح باشند، محرومان از تنگ دستی خود از نظر روحی رنج نمی‌برند تا رنجی افزون بر فقر آنان باشد و همین امر تحمل سختیها را آسان میکند.

ب) این امر مانع بسیاری از چالشهای اجتماعی، اعتراضات عمومی و حتی انقلابات میشود که این امور خود هزینه‌های فراوانی را به حکومت تحمیل میکند.

ج) وقتی مردم مسئولان را از نظر زندگی همانند خود ببینند، احساس تعهد و انس روحی آنان با مسئولان بیشتر شده در جهت رفع مشکلات و پیشرفت کشور تلاش بیشتری مینمایند.

4-2. محافظت از بیت المال

در هر عصری، فقر و شکاف طبقاتی، معضلی اجتماعی است که بر اثر بیعدالتی و زیادهخواهی عده‌ای پدید می‌آید و موجب مشکلات فراوانی در سطح جامعه میشود در حکومت اسلامی هدف از قبول مسئولیت، امتیازجویی برای خود و نزدیکان نیست، بلکه هدف اصلی، خدمت به مسلمین است در حکومت علوی به این امور اهتمام زیادی شده است،

¹ - خمینی، صحیفه ی نور، ج 1، ص 166.

² - نهج البلاغه، خطبه 209.

برخورد انعطافناپذیر و پرصلابت آن حضرت با برادرش عقیلی - که امتیازی را از بیت المال تقاضا مینمود - نمونه بارزی از دقت آن حضرت به اجرای عدالت و حفظ بیت المال است.

علاوه بر آن نهج البلاغه سرشار است از مواردی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد حفظ بیت المال مسلمین و منابع درآمدهای عمومی به فرمانداران و کارگزاران خود هشدار میدهد¹ و این همه حاکی از آن است که حاکم در مقابل حقوق مردم و حفظ بیت المال مسلمین مسئولیت سنگینی برعهده دارد؛ اگر حاکمان به قدرت و ثروت بی رغبت باشند گامی در راه اجرای عدالت است، چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره میفرمایند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُتَأَقِّسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا أَلْتِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ قُضُولِ الْخَطَاةِ وَ لَكِنْ لِيَتَرَدَّ الْمَعَالِمُ مِنْ دِينِكَ وَ تُظْهَرَ الْإِصْلَاحُ فِي بِلَادِكَ قِيَامَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ؛ خدایا تو مدانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه میخواستیم نشانههای حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم، و در سرزمینهای تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستمدیده-ات در امن و امان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجراء گردد.»²

4-3. برخورد با خیانت کاران در بیت المال

بیت المال برای بهرهبرداری همگانی و استفاده‌ی عموم مردم است و خیانت در آن سبب ضایع شدن حقوق مردم و برهم خوردن عدالت و موازنهی اقتصادی - اجتماعی میشود. امیرالمؤمنین علیه السلام در مصرف بیت المال بسیار دقیق و سختگیر بود و همواره با نگاهی ارشادی، کارگزاران را نسبت به رعایت امانت موعظه میکرد و به انحراف از راه حق هشدار میداد. و در برخورد با مفسدان اقتصادی، از سیاست

¹ - نهج البلاغه، نامه 20، نامه 40، نامه 41، نامه 62 و

² - دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه 131، ص 175.

سرکوبگرانه‌ای همچون تعیین و اعمال مجازات شدید استفاده میکرد و قاطعانه با تمامی مصادیق مفساد اقتصادی مبارزه مینمود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در هیچ شرایطی، حاضر به تقسیم ناعادلانه‌ی بیت المال نبود. به ایشان گفتند که مردم به دنیا دل بسته‌اند و معاویه با هدایا و پولهای فراوان آنان را جذب میکند، شما هم از اموال عمومی به اشراف عرف و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند امام علیه السلام فرمود: آیا به من دستور میدهید برای پیروزی خود از جور و ستم دربارهی امت اسلامی که بر آنان ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! هرگز چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود نیز به گونه‌های مساوی میان مردم تقسیم میکردم تا چه رسد که جز اموال خداست.¹ امام علیه السلام این گونه کارگزاران را بر اساس تقوای الهی تربیت میکرد.

نتیجه گیری

در نهج البلاغه با نگاهی ساماندهنده و نظام تربیتی خاص، اعضای جامعه را به عنوان یک پیکر واحدی دانسته شده‌اند که باید میان آن، مسئولیتپذیری، تعاون، همکاری و ایثار حاکم باشد تا به سعادت برسند. در این پژوهش با روش تربیتی و ارائه راهکارهای مؤثر و راهگشا به مقابله با فقر پرداخته شده است. اگرچه در مکتب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رفع فقر و ایجاد رفاه و امنیت اقتصادی، وظیفه حاکمان است؛ اما همه افراد جامعه متناسب با جایگاه و توان خود مأمور به جهاد اقتصادی هستند، به طوری که خطاب به فقرا، آنان را به اموری همچون؛ توکل، قناعت، کار و تلاش، صدقه دادن و ... سفارش میکند. افراد متمکن جامعه نیز به عنوان اصلیت‌ترین عامل فقر و غنا به وظایفی در زمینه انفاق مالی، اهتمام به امور مسلمین و ... توصیه میشوند و با رویکرد آخرتگرایی تربیت میگردند و مسئولان و مدیران حکومتی نیز به این علت که در مدیریت جامعه و تقسیم بیت المال، محافظت از آن

¹ - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، خطبه 126، خطبه 224، ج 2، ص 200.

نقش مهمی دارند، به صورت مکرر با توصیه‌های اخلاقی، تربیتی و مدیریتی و با ارائه راهکارهای مختلفی برای مقابله با فقر مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

منابع

* قرآن کریم.

1. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ هجدهم، قم، پیام مقدس، 1393 ش.
2. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، مصحح: ابراهیم محمد ابوالفضل، ج 2، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، 1404 ق.
3. اسحاقی، حسین، علی علیه السلام اسوه مهر، قم: خادم الرضا، 1390 ش.
4. اسفندیاری، اسماعیل، «فقر و انحرافات اجتماعی»؛ مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره 21، 1382 ش.
5. بحرانی، میثم، شرح نهج البلاغه، ترجمه: قربانعلی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده، ج ۵، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1375 ش.
6. بیگم آزر می، معصومه، نفس در اسارت شیطان، چاپ سوم، قم، تهذیب، 1385 ش.
7. پازوکی، علی، مردم سالاری دینی در نهج البلاغه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، 1388 ش.
8. حسین زاده، علی، «نقش قناعت در بهرهمندی از زندگی»، معرفت اخلاقی، سال اول، شماره 4، 1389 ش.
9. حکیمی، محمدرضا و برادران، الحیاة، ترجمه: احمد آرام، ج 1، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380 ش.
10. خمینی، روح الله، صحیفه ی نور، ج 1، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، 1368 ش.

11. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ج ۴، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، 1412 ق.
12. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج 2، تهران، دارالکتاب اسلامی، 1389 ق.
13. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 75، چاپ دوم، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، 1403 ق.
14. محدثی، جواد، درسهایی از نهج البلاغه، مشهد، چاپ دوم، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1390 ش.
15. مطهری، مرتضی، خدا در زندگی انسان، دبیرخانه بینش مطهر، بیجا، 1392 ش.
16. معین، محمد، فرهنگ معین، ج 2، تهران، دبیر، چاپ اول، 1382 ش.
17. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام (شرح نهج البلاغه)، ج ۱۲ و 13، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، 1390 ش.
18. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، 1408 ق.
19. واعظی، احمد، جامعه مدنی، جامعه دینی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بیجا، چاپ اول، 1389 ق.